



# تویک جہانگردی

نویسنده: شہرزاد شہروردی

تصویرگر: فنرل فتح‌السی



برادرم خیلی خسته بود.

آن قدر خسته بود که انگار همه چیز یادش رفته بود.

به خاطر همین، من هم کلاه جهانگردی را گذاشتم روی سرش و گفتم: «اما توی کتاب نوشته بود باید شهر جهانگردها را پیدا کنیم. خُب ما که هنوز نرسیده ایم آنجا. پس تا آن وقت باید جهانگرد بمانی.»